

The Position of Adjusting the Contract Amount in Iran's legal System

Zahra Roitvand Ghiasvand ^{1*}

1. Master's Degree, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 119-130

Article history:

Received: 06 Jan 2024

Edition: 26 Feb 2024

Accepted: 27 Mar 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Position, Adjustment, Contract Amount, Legal System of Iran.

Corresponding Author:

Zahra Roitvand Ghiasvand

Address:

Iran, Arak, Islamic Azad University
Arak Branch, Faculty of Law,
Department of Criminal Law and
Criminology.

Orchid Code:

0009-0008-8270-3338

Tel:

09363605452

Email:

zahraghiasvand917@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: In spite of the mandatory principle and the principle of firmness of contracts, sometimes the change of circumstances, which includes an increase in the exchange rate, is such that it makes it difficult for one of the parties to implement the contract. In such a case, adjusting the contract is a solution that facilitates the flow of the contract. Due to the importance of the subject, the present research, which was carried out in a descriptive-analytical method, deals with the discussion and investigation of the nature, effects and conditions of adjusting the contract amount with an increase in the exchange rate in government contracts.

Method and Materials: This research is of a theoretical type and has been carried out using a descriptive-analytical method.

Ethical Consideration: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: The effect of adjustment is to compensate for fluctuations and losses.

Conclusion: In addition to being foreseeable in the contract, the adjustment can also be done if there is no provision in the contract.

Cite this article as:

Roitvand Ghiasvand, Z. *The Position of Adjusting the Contract Amount in Iran's legal System*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

جایگاه تعدیل مبلغ پیمان در نظام حقوقی ایران

زهرا روتوند غیاثوند^{*۱}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

چکیده

زمینه و هدف: به رغم اصل اجباری بودن و اصل استحکام قراردادهای، گاهی تغییر اوضاع و احوال که شامل افزایش نرخ ارز می‌شود، به حدی است که اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین، دشوار می‌سازد. در چنین حالتی، تعدیل قرارداد راهکاری است که جریان قرارداد را تسهیل می‌بخشد. نظر به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، به بحث و بررسی از ماهیت، آثار و شرایط تعدیل مبلغ قرارداد با افزایش نرخ ارز در پیمانهای دولتی، می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: اثر تعدیل، جبران نوسان و ضرر است.

نتیجه: تعدیل علاوه بر اینکه در ضمن قرارداد قابل پیش بینی است، در صورت عدم پیش‌بینی در قرارداد، نیز قابل اعمال است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۹-۱۳۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جایگاه، تعدیل، مبلغ پیمان، نظام حقوقی ایران.

نویسنده مسئول:

زهرا روتوند غیاثوند

آدرس پستی:

ایران، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، دانشکده حقوق، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

09363605452

کد ارکید:

0009-0008-8270-3338

پست الکترونیک:

zahraghiasvand917@gmail.com

۱. مقدمه

اگر چه در فقه امامیه مسأله نوسان شدید قیمت‌ها در هیچ برهه‌ای از تاریخ این چنین مطرح نبوده و کارکرد اقتصادی کشورهای جهان بر مشکلات داخلی دیگر کشورها تأثیر نمی‌گذاشته و به این دلیل فقها کمتر به این مسئله توجه کرده‌اند؛ اما با وجود این با توجه به احکام و قوانین فقه امامیه، گمان می‌رود مشکلی در پذیرش این شرط وجود نداشته باشد. فقها شرایط را به‌خصوص ناظر به تعهداتی می‌دانند که ضمن عقد بوده‌اند، همان تعریفی که صاحب قاموس از شرط داشته‌اند: «الزام الشی و التزامه فی البیع و غیره» و منصرف از چیزی در قالب الزامات مقدماتی قرار می‌گیرد و نیز تعریفی که اصولیین از شرط می‌گویند: «ما یلزم من عدمه العدم و لایلزم من وجوده الوجود» که در این عبارت، شرط در معنای اسم جامد است و نه مصدر، که ایجاد التزام نمی‌کند (انصاری، ۱۳۷۵، ۲۷۵)، بلکه شروط ضمن عقد در معنای مصدری و حدی بوده و این مصدر در معنای خود به کار رفته و شرط ضمن عقد در معنای مصدری است که به معنی التزام و یا سپردن تعهد بوده و منظور از شرط در جمله‌ی: «المومنون عند شروطهم» نیز، همان معنای مصدری است تا تعلق وجوب به آن درست شود و از طرف دیگر چون این عبارت، در اصل انشاء بوده و در جایگاه بیان جمله خبری نمی‌باشد، ظهور در وجوب تکلیفی دارد. در نتیجه با استناد به کبرای مسلم کلی «المومنون عند شروطهم» که ظهور در وجوب تکلیفی دارد و آیه‌ی «وفوا بالعقود» که دلیل بر لازم الوفا بودن عقود می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ۳۷۸) و نیز شرط تعدیل قیمت که خود قرارداد و عقد قلمداد می‌شود و همچنین مضمون ماده ۱۰ قانون مدنی که شامل اصل آزادی قراردادهاست که این نکته را بیان می‌کند که شرط،

فارغ از این که در ضمن عقد واقع شده، ضرورت دارد شروط ضمن عقد لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع‌اند (فخار طوسی، ۱۳۸۵، ج ۷، ۱۷۴-۱۷۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۳۲؛ خوئینی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۱۳). مبنای فقهی تعهدآور بودن و صحت این شرایط، روایت «المومنون عند شروطهم» و آیه «وفوا بالعقود» و وجود اخبار و روایات در تأیید صحت این شرایط (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۱۵۶) و ماده ۱۰ قانون مدنی که دربرگیرنده این اصل است که تمام قوانین خصوصی بین اشخاص در حالتی که خلاف قواعد آمره و اخلاق حسنه نباشند، صحیح و مؤثر است را می‌توان نام برد؛ بنابراین به نظر می‌آید که شرط تعدیل قیمت از دیگر شروط ضمن عقد مستثنی نباشد و مثل همه شروط و تعهداتی که ضمن قرارداد بسته می‌شوند، در صورتی که خلاف قواعد آمره و اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد، صحیح و اجرای آن واجب است. شروط، اگر چه حقیقت اعتباری جداگانه ندارند و از لحاظ حقوقی از پایه وابسته به عقد مشروط هستند ولی می‌بایست شروط لازم برای درستی و اعتبار حقوقی را علاوه بر عقد مشروط داشته باشند، یعنی وجود یا عدم شرایط صحت و اعتبار عقد مشروط، در خود شرط تأثیری ندارند (شهیدی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۳). همین‌طور لزوم درست بودن این دسته از شروط این است که میزان تعدیل و کیفیت آن در عقد حاصله مشخص باشد تا موجب مجهول شدن عوضین نشود (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۷۴). فلذا متعاقدين با پیش‌بینی شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی در آینده به درج شرط تعدیل مبادرت کرده که این شروط به شروط تعدیل‌کننده یا شروط پولی در حقوق فرانسه مشهورند (خوئینی و دیگران، همان، ۱۱۳). به عبارتی تعدیل قرارداد ناظر بر جریان است که به موجب آن با اجتناب از دیدگاه یک

۱) گاهی دو طرف عقد با گفتن شرطی در ضمن عقد یا موافقت بعدی در موقع وقوع حادثه غیرمنتظره و سر نگرفتن تعادل قراردادی، نسبت به تعدیل قرارداد، اقدام می کنند که آن را «تعدیل قراردادی» می نامند.

۲) گاهی ممکن است که قانون گذار به علت دستوراتی، اجازه تعدیل قرارداد را تجویز کند، این قسم تعدیل را «تعدیل قانونی» گویند.

۳) شکل دیگری از تعدیل را «تعدیل قضایی» گویند، و این مورد وقتی موضوعیت پیدا می کند که نه در توافق طرفین به هر یک از اقسام گفته شده و نه در ضوابط قانونی، پیش بینی ویژه ای در خصوص تعیین تکلیف قرارداد در صورتی که تعادل و توازن آن بهم نخورد، بلکه قاضی اختیار این را داشته باشد که به تعدیل قرارداد و هماهنگ کردن محتوای آن با شرایط جدید اقدام کند. (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

آنچه که در نمونه قراردادهای داخلی (شرایط عمومی پیمان)، ناظر به تعدیل است، فقط تعدیل قیمت قرارداد می باشد، همان طور که در بنده ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان مقرر می دارد: «تعدیل نرخ پیمان طبق شرایط پیش بینی شده در شرایط خصوصی است». تعدیل نرخ پیمان یا تعدیل قیمت قرارداد به معنای تطویل یا تمدید مدت پیمان (تعدیل در معنای عام کلمه) نیست، در نتیجه عواملی که موجب تمدید مدت قرارداد می شوند را نمی توان از جمله شروط تعدیل قیمت قرارداد در نظر گرفت و تنها شرط لازم و اساسی تعدیل مبلغ قرارداد و تنها عاملی که موجب پرداخت مبلغ مربوط به تعدیل به متعهد له قرارداد می گردد، تغییرات قیمت مواد اولیه یا نیروی انسانی یا به عبارت دیگر، نوسانات و تفاوت فاحش قیمت مصالح

جانبه گرایی پایان یا اجرای مطلق قرارداد، زمینه ای تأسیس شود تا حین دفع ناروایی حاصل از اعمال این نظرگاه، ادامه رابطه حقوقی میسر باشد. این تحلیل، مشتمل بر اصول حقوقی شاهد بر حفظ و رعایت شروط قراردادی از یک جهت و احترام به موضوعات مقرر شده اخلاقی مثل رعایت عدل و انصاف، رفتار همراه با خوش نیتی، جلوگیری از سوءاستفاده از حق، توجه استفاده و دارا شدن بی دلیل و... می باشد که بنابر مورد و مساوی با مبانی مورد احترام و تصویب شده در هر نظام حقوقی می تواند مورد عمل قرار گیرد. با امان نظر به مطالب یاد شده، تحقیق حاضر در رابطه با موضوع «جایگاه تعدیل مبلغ پیمان در نظام حقوقی ایران» به مطالعه می پردازد.

۲. مواد و روش ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و در آن از روش پرسش نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع آوری داده از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته ها

اثر تعدیل، جبران نوسان و ضرر است.

۵. بحث

قبل از ورود به بحث، به اقسام تعدیل قرارداد نگاهی خواهیم داشت.

۵-۱. انواع تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد بسته به جایگاه و اصول آن بر سه قسم می باشد:

یا دستمزد نیروی انسانی در زمان اجرای قرارداد نسبت به زمان انعقاد قرارداد است، همان طور که در شماره ۳۲ از ماده ۱۵ (تفسیرها و سایر تعاریف) در تعریفی از تعدیل مقرر می‌دارد: «به روزرسانی قیمت‌های اولیه پیمان بروی زمان انجام کار از طریق شاخص‌های تورم منتشره از سوی بانک مرکزی یا شاخص‌های تعدیل منتشر شده از سوی معاونت»، رکن اساسی و شرط لازم تعدیل مبلغ قرارداد، تفاوت چشمگیر و غیر متعارف قیمت اقلام و مصالح در زمان اجرای کار نسبت به قیمت‌های اولیه پیمان است که با استفاده از روش تعدیل مابه التفاوت این دو قیمت براساس فهرست بها و قیمت‌های بازار و براساس شاخص‌های اعلامی از طرف معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، به متعهد له پرداخت می‌گردد.

به طور مثال، پیمانکار در زمان اجرای کار با افزایش چشمگیر قیمت برخی از مصالح مواجه می‌شود که با همان قیمت‌های اولیه در زمان انعقاد قرارداد، نمی‌تواند و یا به سختی می‌تواند عملیات اجرایی را به اتمام برساند، در نتیجه متحمل ضرر و خسارت می‌شود، پس برای جلوگیری از این ضرر احتمالی و با استفاده از مکانیسم تعدیل، مبلغ قرارداد را با استفاده از شاخص‌های تعدیل و فرمول تعدیل و متناسب با قیمت‌های روز بازار به روز رسانی می‌کنیم (علیزاده، رحیمی، ۱۳۹۶، ۹۳).

۵-۲. دشوار شدن اجرای تعهد مربوط به شرط تعدیل

در این قسمت در صدد بررسی فرضی هستیم که طرفین در شرایط خصوصی، در خصوص شرط تعدیل قیمت یا سکوت اختیار کردند و یا شرط عدم تعدیل را با این قصد و نیت که از زمان انعقاد قرارداد تا زمان پایان اتمام عملیات اجرایی، تعادل عوضین برهم نمی‌خورد و قیمت مربوط به مصالح

و نیروی انسانی افزایش یا کاهش پیدا نخواهد کرد، پیش‌بینی نکردند، اما به دلیل بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی از قبیل نزخ افزایش ارز و بحران‌های اقتصادی، قیمت اقلام و اجناس شدیداً تحت تأثیر این نوسانات در قیمت‌ها قرار گرفته و انجام تعهد و قرارداد را برای یکی از طرفین بسیار دشوار کرده است.

در این قسمت در صدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که زمانی که اجرای تعهد برای تعهد به دلیل مشکل پیش‌بینی نشده نظیر افزایش نرخ ارز بسیار دشوار شد، به طور مثال پیمانکار به دلیل افزایش بی‌رویه قیمت اقلام و اجناس و هزینه مربوط به دستمزد نیروی انسانی، اجرای قرارداد (خرید مصالح و پرداخت دستمزدها) برای وی دشوار گردید، امکان تعدیل قیمت قرارداد در این شرایط وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا دشواری در انجام تعهد و اجرای قرارداد به دلیل تغییر بی‌رویه قیمت‌ها در حقوق ایران و فیدیک می‌تواند عاملی باشد برای تعدیل قیمت قراردادهایی که در آن، شرط عدم تعدیل شده است و یا در خصوص شرط تعدیل، طرفین سکوت اختیار کرده‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مبانی توجیه‌کننده تعدیل در صورت دشوار شدن اجرای تعهد در فقه را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی امکان تعدیل پیمان‌های فاقد شرط تعدیل در حقوق ایران می‌پردازیم.

۵-۳. مبانی فقهی توجیه‌کننده تعدیل مبلغ پیمان در صورت دشوار شدن اجرای تعهد

جهت توجیه امکان تعدیل پیمان‌های فاقد شرط تعدیل قیمت در حقوق ایران لازم است که به قواعد و ابزارهای حقوقی و فقهی متمسک شویم که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- نظریه شرط ضمنی،

۲- نظریه غبن حادث (برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد)، ۳- قاعده نفی حسر و خرج (لاخرج)

۱- نظریه شرط ضمنی این نظریه، زاده بحران‌های اقتصادی در عصر کنونی ماست، بحران‌هایی که موجب افزایش بی‌رویه و شدید قیمت اجناس و اقلام و کالاها شده است به گونه‌ای که اجرای تعهد را برای متعهد به خصوص در قراردادهای با اجرای طولانی‌مدت، بسیار سخت و دشوار نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۳، ۵۴).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این تغییرات نامتعارف در قلمرو تراضی طرفین قرارداد جای می‌گیرد؟ آیا احترام و لزوم پای بندی به مفاد عقد، مشروط به اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد و تغییرات متعارف نیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان چنین گفت که: از آن جایی که عقد تابع قصد طرفین است و بدون قصد و خواست طرفین، قرارداد نه ایجاد می‌شود و نه اثری برایش مترتب می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱۵۹). باید همین اراده و قصد مبنای تفسیر ما قرار گیرد، بدین صورت که تراضی مفید به شرط ضمنی بقای اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد عقد و تغییرات متعارف است که اگر این اوضاع و احوال دگرگون شود شرط نیز اعتبار خود را از دست می‌دهد، یعنی طرفین، همیشه قرارداد را با این فرض منعقد می‌کنند که اوضاع و احوال دچار تغییر و دگرگونی نشود و در صورت به هم خوردن این شرط، نهایتاً باید قرارداد را منطبق با شرایط جدید منطبق کنند (تعدیل قرارداد) یا به فسخ قرارداد تن دهند (بیگدلی، ۱۳۸۶، ۱۲۳). چنانکه یکی از حقوق‌دانان قرون وسطی به نام «هفتر» می‌گوید: «وقتی تغییر اوضاع و احوال زمان عقد، قیود اصلی معاهده را سست کند، می‌توان درباره اصل وفای به عقد و

احترام به عقد استثنایی قائل شد؛ بنابراین طبق نظر اکثر مفسران رومی، تغییر اوضاع و احوال، می‌تواند اصل الزام آور بودن عقود را از حالت اطلاق درآورد و آن را در مواردی که قرارداد با تغییرات اساسی در ارکانش، مواجه است، تحت الشعاع قرار دهد (حکمت، ۱۳۶۴، ۳۷).

۲. نظریه غبن حادث (برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد)

خیار غبن به عنوان یکی از مباحث مهم مربوط به قواعد عمومی قراردادهاست که به منظور جبران زیان ناشی از برهم خوردن نامتعادل بودن عوضین، توسط قانون گذار وضع شده است.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که، با توجه به این که اختیار فسخ به مغبون که دچار غبن فاحش شده است و جاهل نسبت به قیمت بوده است (ذهنی تهرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ۲۴۲). در قانون مدنی، محدود به زمان انعقاد قرارداد شده است، آیا امکان استفاده از غبن برای زمان اجرای قرارداد و در خصوص قراردادهایی که به دلیل تحول‌های شدید اقتصادی، تعادل اقتصادی بین دو عوض در زمان اجرای قرارداد بر هم خورده و موجب دگرگونی چهره عقد شده است، نیز وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، علی‌رغم ادعای اجماعی که فقها بر این مسأله دارند که معیار افزایش یا کاهش قیمت فقط محدود به زمان عقد می‌شود، (نجفی، ۱۲۵۶ق، ج ۲۳، ۴۲؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق، ۱۸۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۶۹؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ۲۰۳؛ ابن مکی عاملی، بی‌تا، ج ۳، ۴۶۴). می‌توان چنین استدلال کرد که همان‌طور که عدم تعادل عوضین در زمان عقد می‌تواند برای طرفین در زمان انعقاد عقد خیار غبن ایجاد کند، هر گاه حوادث غیر قابل پیش‌بینی و دور از انتظار در زمان اجرای عقد سبب شود که

تعادل عوضین بر هم خورد و ایجاد عسر و حرج نماید، زیان دیده حق دارد که تعدیل قسمت قرارداد را از دادگاه بخواهد و یا قرارداد را فسخ نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۱، ۵۴۱-۵۳۵). پس در نتیجه از املاک این قاعده در خصوص رویدادهای نامنتظر که تعادل قراردادی را حتی در زمان اجرای قرارداد بر هم می‌زند نیز، می‌توان استفاده کرد.

۳. قاعده لاحرج

علاوه بر دو مورد ذکر شده، به قاعده لاحرج نیز در خصوص امکان تعدیل قراردادی که به دلیل وقوع حوادث پیش‌بینی نشده، اجرائش دشوار شده است، می‌توان استناد کرد. از نظر فقهی منظور از این قاعده، تکالیفی است که موجب مشقت برای مکلف شده است و در دین وضع نشده است، نفی شده است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ۲۹۶). آیه مهمی که در بحث از عسر و حرج به آن استناد شده، آیه ۷۸ سوره مبارکه‌ی حج است: «و جاهدوا فی الله حق جهاده، هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج...»، به این معنی که: چرا در راه خدا آن چنان که باید جهاد و کوشش نمی‌کنید، در حالی که شما برگزیده شده اید و در شریعت حکم حرجی بر شما وضع نشده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ۱۶۳) و نیز آیه‌ی «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» که بر اساس این آیه نیز، به طور مطلق حرج نفی شده است (یثربی، ۱۳۸۵، ۲۱۸). براساس این قاعده، هر چیزی که مردم به آن فرمان داده شده‌اند، در حد توانایی آن‌هاست و اگر چیزی از حد توان آن‌ها خارج است، از عهده آنان نیز خارج است (بجنوردی، ۱۳۷۲، ج ۱، ۲۱۹). پس اگر اجرای حکمی، برای مکلف ایجاد مشقت و سختی کند، بنا به حکم ثانوی تکلیف از عهده وی ساقط می‌شود. در قوانین موضوعه ایران نیز قاعده نفی عسر و حرج مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در ماده اصلاح شده

۱۱۳۰ قانون مدنی در سال ۱۳۷۰ اصطلاح عسر و حرج صریحاً آمده و چنین می‌گوید: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند و چنان چه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود» (طاهری، ۱۳۸۷، ج ۱، ۲۵۴). در نتیجه از ملاک این قاعده می‌توان استفاده کرد که اگر چنان چه به علت بروز حوادث پیش‌بینی نشده، اجرای قرارداد برای متعهد سخت و دشوار گردید، بنا به حکم ثانوی خواستار تعدیل قرارداد شود. به طور مثال، اگر تغییرات ناگهانی اقتصادی در قراردادهای پیمانکاری موجب شود که قیمت مصالح پای کار افزایش شدیدی نسبت به زمان انعقاد قرارداد و آن چه طرفین بر مبنای آن تراضی کرده‌اند، پیدا کند و در نتیجه این تفاوت فاحش قیمت‌ها، انجام تعهد برای متعهد (پیمانکار) سخت و دشوار گردد و وی دچار غبن فاحش گردد می‌تواند خواستار تعدیل یا فسخ قرارداد شود، اگر چه برخی از حقوقدانان معتقدند که، عدم توانایی مالی (تعذر مالی) نمی‌تواند سبب خودداری متعهد از ایفاء تعهداتش شود و نمی‌تواند به بهانه‌ی تعذر معاف شود از اجرای تعهداتش (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۵۰).

هدف از ذکر مبانی فقهی توجیه‌کننده شرط تعدیل در صورت تغییر شرایط و اوضاع و احوال و دشواری در اجرای قرارداد توسط متعهد (پیمانکار)، پاسخ به این سؤال بود که، آیا امکان تعدیل قضایی پیمان‌های دولتی که در شرایط خصوصی آن شرط عدم تعدیل قیمت پیش‌بینی شده است، یا در این خصوص طرفین سکوت اختیار کرده‌اند و در زمان اجرای قرارداد به دلیل وقوع بحران‌های اقتصادی و

تورم، قیمت کالاها و مواد اولیه به طور چشمگیری تحت تأثیر قرار می‌گیرد، وجود دارد؟ آیا قانون‌گذار نیز برای جلوگیری از ورود خسارت به طرفی که متعهد به خرید این اجناس است و در نتیجه نوسانات در قیمت‌ها، انجام تعهد برایش دشوار می‌شود، تدابیری اتخاذ کرده‌است؟ لازم به ذکر است که علی‌رغم این که تعدیل قرارداد به دست مقام قضایی ممکن است و همچنین در فقه ما نیز این امر پذیرفته شده است، اما قانون‌گذار تاکنون تمایلی به وضع مقرره‌ای عمومی و قاعده‌ای کلی در این زمینه نشان نداده است، (بیگدلی، ۱۳۸۸، ۴۳۵)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در قراردادهای پیمانکاری دولتی هم اگر چنانچه شرط عدم تعدیل در آن قابل پیش‌بینی باشد و در موقع انجام قرارداد و برخلاف اراده و میل باطنی دو طرف مبنی بر حفظ شرایط اقتصادی موجود در زمان بستن عقد تا پایان عملیات، به دلیل تغییرات شدید قیمت‌ها، تعادل اقتصادی عوضین بهم خورده و این امکان برای طرف زیان‌دیده وجود ندارد که بتواند از دادگاه تعدیل قضایی را خواستار شود، زیرا شرط عدم تعدیل از خواست و اراده مشترک طرفین برمی‌خیزد و یا تفسیر اراده ظاهری طرفین مبنی بر درج شرط عدم تعدیل می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرد زیان‌دیده به خواست خود و اطلاع و آگاهی نسبت به شرایط موجود با پیش‌بینی شرط عدم تعدیل، خود مقدمات زیانش را مهیا کرده و به ضرر خود اقدام نموده است، پس حق هرگونه مطالبه از دادگاه از جمله حق درخواست تعدیل قیمت قرارداد، حق فسخ قرارداد و حق خسارت را ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۲۳-۲۲۱). در حالی که اصل حفظ تعادل با توازن اقتصادی قرارداد تا خاتمه مدت مقرر شده و انجام کامل تعهد که یکی از اصول حقوقی محرز و مسلم و یک قاعده تام در

عقدهای مستمر و بلندمدت است، مقتضی است تعادل مقبول بین دو عوض تا اتمام انجام قرارداد باقی بماند و از نظر پایه این اصل بر اراده و خواست مشترک طرفین مبتنی بوده و ارزش و اعتبار خود را از قاعده «حکومت اراده بر عقد» می‌گیرد (شفایی، ۱۳۷۶، ۳۸)؛ اما در پاسخ به این سؤال که آیا در خصوص امکان تعدیل پیمان‌های فاقد شرط تعدیل قیمت، قانون‌گذار تدابیری اتخاذ کرده یا خیر می‌توان گفت که به طور کلی تعدیل قانونی در حقوق ایران پذیرفته شده است. به طور مثال، ۱- به مواد مربوط به «لایحه قانونی شیوه تخلیه ساختمان‌های اجاره‌ای توسط وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی» در آبان ۱۳۵۸ تبصره‌ای افزوده با این توضیح: «آرای صادر شده از محکمه‌های دادگستری که با توجه ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر که در سال ۱۳۵۶ بر تعدیل علیه دولت بعد از تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ صادر و تصویب شده و به مرحله‌ای اجرا درنیامده باشد، به درخواست مستأجر موقوف الاجرا بوده و دادگاه مسئول است با جلب نظر کارشناس، حکم صادره را با تعیین اجاره بهای منصفانه تصحیح کند. این حکم قطعی می‌باشد»، ۲- قاعده الحاق تبصره‌ای مربوط به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در رابطه با ارزیابی مهریه زنان به نرخ روز مصوب ۱۳۷۶. این‌ها نمونه‌های بارزی بودند که مقنن به بهانه تفسیر اراده طرفین و یا با هدف تأمین مصالح اجتماعی و برقراری عدالت معاوضی در قرارداد با حمایت از فرد زیان‌دیده، اراده خود را بر طرفین، تحمیل می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، علاوه بر این که حفظ تعادل قراردادی واجب دانسته که قرارداد، پیرو قانون روز انعقاد خود و مقررات جدید بر آثار قراردادهایی که در جریانند، حکومتی نداشته باشند و مبنا بر سریع بودن اثر قانون می‌باشد؛ اما در

بعضی از موارد، اقتضای ضرورت‌های اجتماعی این است که قانون‌گذار هر جا که نظم عمومی در معرض خطر باشد، قانون را بر قراردادهایی که در جریانند حاکم کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۳۲). بنابراین در خصوص پیمان‌های دولتی که یک طرفش دولت (کارفرما) بوده و دولت هم به عنوان یک اراده بالاتر حاکم و ناظر بر تمام روند انعقاد عقد تا پایان اجرای پروژه‌های دولتی به منظور حفظ تعادل اقتصادی در قرارداد می‌باشد. قطعاً در صورت روبرو شدن با شرایطی که به علت بروز بحران‌های شدید اقتصادی تعادل مالی در عقد بر هم می‌خورد، به منظور پیش‌گیری از ورود ضرر، اقدام به تصویب و ابلاغ بخش‌نامه‌هایی می‌کند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱ و زمانی که ضریب تغییر و تغییرات اقتصادی فوری‌تر از گذشته شده بود و به تبعیت از آن قیمت پول (دلار) به طور چشمگیری افزایش پیدا کرده بود، در نتیجه آن پیمانکارانی که موظف به خرید مصالح از خارج از کشور بودند، با این تغییر غیرمنتظره روبرو شدند و به دلیل این که قیمت پیش‌بینی شده مصالح و بنابراین قیمت تحقق شده تمام قرارداد در زمان بستن آن با این قیمت‌های فعلی در زمان انجام قرارداد، تفاوت چشمگیری داشت، پیمانکاران متحمل ضرر می‌شده و از انجام تعهد خود ناتوان می‌شدند و عاقبت اتمام پروژه به سبب بالا رفتن بی‌رویه قیمت‌ها به عقب می‌افتاد. پس برای پیشگیری از این خسارات احتمالی سازمان مدیریت و بخش‌نامه‌ای به شماره و تاریخ ۵۳۰۲۴/۹۲ - ۲۳/۰۶/۹۲ با موضوع «نحوه جبران اثرات تغییر قیمت ارز در پیمان‌های فاقد تعدیل» به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و نیز پیمانکاران ابلاغ کرد. در این بخش‌نامه اینگونه آمده: «به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و

نظام فنی و اجرایی کشور، با توجه به دگرگونی و شرایط جدید ثبت سفارش واردات کالا، طبقه‌بندی و اولویت بندی کالاهای وارداتی و قیمت ارز این دستورکار که شورای عالی فنی آن را تصویب کرده و شامل دو روش است، با هدف جبران اثرات ناشی از افزایش قیمت ارز، در قراردادهای ریالی بدون تعدیل نرخ پیمان و بدون پرداخت هر گونه مابه التفاوت که روز آخر مهلت ارایه پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار (یا سازنده‌ی مصالح و تجهیزات) قبل از ۱۳۹۱/۵/۱ بوده و قرارداد بر اساس آن بسته شده به شرح زیر اعلام می‌گردد تا دستگاه‌های اجرایی قواعد این بخش‌نامه را به عملکردهای پس از ۱۳۹۱/۱/۱ تا ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ اعمال و این مبلغ را به شکل قطعی برای جبران آثار تغییر قیمت ارز پرداخت کنند». پس عطف به این که این بخش‌نامه به توسط شورای عالی فنی و در حکم قانون لازم الاجرا می‌باشد مصوب شده، حتی قراردادهایی که در آن شرط عدم تعدیل شده است هم - با توجه به این که در زمان بستن قرارداد، پیش‌بینی این تغییرات آشکار در خصوص قیمت ارز ممکن نبوده و یا تفسیر نیت و اراده باطنی دو طرف مبنی بر این که تراضی آنان مفید به حفظ تعادل اقتصادی عوضین تا پایان مدت قرارداد و تغییرات معمول بوده است، پس با حادث شدن تغییرات نامتعارفی که در زمان انعقاد عقد برای دو طرف پیش‌بینی نباشد و با از بین رفتن شرط، چهره نخستین قرارداد هم تغییر می‌یابد، با ابلاغ کردن این بخش‌نامه و ضابطه‌های موجود در آن شامل تعدیل قرار می‌گیرند؛ اما از حیث چگونگی و نحوه محاسبه با آن چه که در بخش‌نامه تعدیل وجود دارد، متفاوت است. البته شایان ذکر است که برای این که این دسته از قراردادها، قراردادهای بدون تعدیل و بدون هرگونه مابه‌التفاوت ضوابط این بخش‌نامه

براساس نمونه قراردادهای پیمانکاری تنظیم گردیده باشد، مبلغ پیمان، علاوه بر تغییر قیمت‌ها در اثر افزایش نرخ ارز، در اثر تغییر قانون نیز تفاوت پیدا می‌کند. یعنی نه تنها نوسانات قیمت‌ها سبب تعدیل قیمت قرارداد می‌گردد، بلکه تعدیل قیمت قرارداد می‌تواند متأثر از تغییر در قوانین موجب افزایش یا کاهش در هزینه‌ها باشد. در حقوق ایران، تعدیل به مواردی که شرط تعدیل پیش بینی نشده نیز جریان می‌یابد، که از آن با عنوان تعدیل قانونی یاد می‌شود. قانونگذار در این حالت، به ذینفع حق می‌دهد تا از دادگاه، اجرای قانون را درخواست نماید و هر چند که در این گونه موارد، قاضی به تعدیل قرارداد مبادرت می‌ورزد، ولی منشاء صدور حکم، تعدیل در قانون است. اقتضای اصل لزوم، مستفاد از ماده ۲۱۹ قانون مدنی آن است که طرفین، موقع انعقاد قرارداد، با پیش‌بینی احتمال تغییراتی چون، تغییر قیمت‌ها، شروط تعدیل قرارداد را تنظیم کنند تا در اثر بروز چنین مسائلی، تعادل اقتصادی قرارداد به هم نخورده و تأمین گردد.

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مسئول به تنهایی در تهیه و تدوین پژوهش نقش داشته است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

را شامل می‌شوند، می‌بایست مهلت ارایه پیشنهاد قیمت از طرف پیمانکار قبل از ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ بوده باشد، به معنی این که تاریخ مناقصه به قبل از وقوع تورم و قبل از بروز بحران‌های اقتصادی و به تبع آن تغییرات نرخ ارز (۱۳۹۱/۰۵/۰۱) مربوط باشد و قرارداد براساس این نرخ، بسته شده باشد و تاریخ اجرای قرارداد از این زمان به بعد انجام گیرد، پس چنانچه تاریخ پیشنهاد قیمت از زمان ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ به بعد باشد و با این حال باز هم شرط عدم تعدیل پیش‌بینی شده باشد، می‌شود این گونه تشریح کرد که دو طرف قرارداد با علم به شرایط موجود اقدام به بستن قرارداد کرده‌اند و خود مقدمات زیان ناشی از نوسانات نرخ ارز را به خود فراهم کرده‌اند، پس این قسم از قراردادها مشمول ضوابط این بخش‌نامه نشده و طبق اصل لزوم در قراردادها، باید به مفاد پیمان خود (همان شرط عدم تعدیل)، ملتزم باشند.

از مطالب یاد شده، به دست می‌آید که ماهیت حقوقی و قابلیت مطالبه قضایی بخشنامه‌های نحوه جبران آثار ناشی از افزایش قیمت ارز در پیمان‌های ریالی فاقد تعدیل که بوسیله سازمان برنامه و بودجه کشور و یا سایر کارفرمایان دولتی صادر می‌شود، به این شکل است که براساس درصد مشخصی از مبلغ معامله شده یا مبلغ فاکتور معتبر مورد تأیید کارفرما، تفاوت بها ارایه شده توسط پیمانکار از سایر مراجع، علی‌الحساب محاسبه شده و پرداخت می‌گردد.

۶. نتیجه

تنها عامل لزوم پرداخت مبلغ مربوط به تعدیل به متعهدله، تغییرات قیمت مواد اولیه یا نیروی انسانی می‌باشد، که اثر آن، جبران خسارت می‌باشد. در حقوق بین‌الملل، چنانچه قرارداد پیمانکاری،

منابع

- ابن قدامه، احمد، المغنی، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- ابن مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین، اللمعه للدمشقیه، چاپ اول، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، چاپ اول، تبریز، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
- بجنوردی، میرزا حسین، القواعد الفقهیة، قم، انتشارات موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- حکمت، محمدعلی، تاثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین المللی، مجله حقوق، شماره ۳، زمستان ۶۴.
- خوئینی، غفور و دیگران، تعدیل قضایی در اثر کاهش ارزش پول، فصلنامه پژوهش، حقوق خصوصی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲.
- ذهنی تهرانی، جواد، المباحث الفقیه فی شرح الروضه البهیة، چاپ اول، قم، انتشارات وجدانی، ۱۴۰۵ق.
- شفائی، محمدرضا، بررسی تطبیقی نظریه اوضاع و احوال در قراردادهای تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- شهیدی، مهدی، شروط ضمن عقد، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- طاهری، حبیب الله، قواعد فقه، چاپ اول، قم، دفتر نشر وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۸۷.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیه کتاب المکاسب، چاپ اول، دمشق، انتشارات دارالمصطفی لایه التراث، ۱۴۲۳ق.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین ابن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- علامه حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت لایه التراث، ۱۴۱۴ق.
- فخار طوسی، جواد، در محضر شیخ انصاری (شرح خیارات)، چاپ اول، قم، نشر مرتضی، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- قواعد عمومی قراردادهای تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۰.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ ۲۸، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
- مزارعی، علی، تئوری عدم پیش بینی و تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- مصطفوی، محمد کاظم، القواعد، چاپ سوم، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.

مکارم شیرازی، ناصر، القاعده الفیه، چاپ اول، قم، مدرسه امام امیر مومنین، ۱۴۱۱ق.

نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیا التراث العربی، ۱۲۵۶ق.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائدالایام، چاپ اول، قم، مرکز نشر مکتب اعلام اسلامی، ۱۴۱۷ق.

یثربی، علی محمد، قواعد فقه استدلالی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.

و مبانی حقوق اسلامی، دوره سیزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۹.





پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی